زهرا عباسی، دکترای فلسفه و کارشناس ارشد مطالعات زنان و خانواده:

جذابیت و نشاط حجاب و عفاف را به‌خوبی ترسیم نکرده‌ایم

دیده شدن از جمله امیالی است که در بسیاری از انسان‌ها به خصوص قشر جوان و نوجوان- به دلیل اقتضائات سنی‌شان- وجود دارد گاهی افرادی با ورود به مسیر اسیانت و ورند صحیح دیده می‌شوند مانند بزرگان دینی و دانشمندان. اما در مقابل هستند همانند ستارگان هالیوودی که هر تلاشی حتی خروج از اخلاقیات انسانی و دریدن گریبان عفت می‌کنند تا فقط دیده و تحسین شوند. البته در بین همین ستارگان هستند افرادی که آن همه دیده‌شدن را کنار می‌گذارند و با تغییر مسیر و افشاندن درمسیر اصلی انسانیت به اصل خود بازگشته‌اند. در جایی خواندم که یکی از آنهایی که به تازگی مسلمان شده بود در پاسخ به این سوال که چرا این همه دیده شدن و لایک خوردن در جهان را کنار گذاشتید، گفته بود: «از این به بعد می‌خواهم خدا مرا لایک کند. نمی‌خواهم مردم دنیا بخاطر یکسری رفتارهای ناپهنجار مرا انتخاب کنند. به جایی رسیده‌ام که دلم می‌خواهد به انسانیت فکر کنم نه حیوانیت و دوست دارم انسان متعالی باشم.» حال چه می‌شود فردی به این درجه از تعالی می‌رسد؟ به اعتقاد دکتر زهرا عباسی، دکترای فلسفه و کارشناس ارشد مطالعات زنان و خانواده، روش گفت‌وگو با جوان و نوجوان مهم است. چرا که او را به سمت نیازهای واقعی و انسانی، باطنی و معنوی خود می‌برد و می‌تواند به قله انسانیت برساند. او می‌گوید فقط تشویق، ترغیب، آگاهی و همراه بودن و معرفی منابع و مراجع می‌تواند در تشویق و کسب تأیید اجتماعی انسان‌ها مؤثر باشد. وی یکی از راه‌های قبول و ماندگاری حجاب و عفاف را ایجاد محیط‌هایی با جاذبه و نشاط می‌داند و می‌گوید خانواده‌ها و مراکز فرهنگی باید در این زمینه بیشتر تلاش کنند. نقاب‌های شخصیتی را کنار بگذارند و با حفظ کرامت شخصیتی فرزندان به توانمندی‌ها یشان اعتراف کنند تا به مقصود برسند. متن زیر ماحصل گفت‌وگو با این استاد دانشگاه است که می‌خوانید.

■■■

از نگاه شما نسبت حجاب با حیا و عفاف چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید مثال درخت را زد که ریشه آن عفاف یعنی خویشتن‌داری، عفیف بودن و پرهیز از خطاها و ناهنجاری‌ها و رفتارهای نادرست است. در هر موردی هم صدق می‌کند. به طور مثال انسانی که سرفت می‌کند، یا کذاب است یا رفتار دوگانه‌ای دارد و خویشتن‌دار نیست. نه و شاخه‌های درخت نیز همان حیاست که می‌خواهید از ریشه عفت است. همان خویشتن‌داری که باید در انسان وجود داشته باشد تا انسان را به مرتبه انسانی خودش برساند. با این تعریف می‌توان گفت حیا در رفتارهای اجتماعی معنا می‌شود. البته احادیث فراوانی داریم که ائمه معصومین(ع) فرموده‌اند در خلوت خود هم باحیا باشید. حتی در لباس پوشیدن، سلوک فردی خلوت‌گاهی و اجتماعی نیز سفارش شده است. حیا در گویش‌ها و تعاملات نیز باید حفظ شود. اجازه ندارید در حضور دیگران هر طور حرف‌شیم لباس بپوشیم و مثلاً گویی بیم می‌خواهیم عریان باشیم این موارد حتی کنار خانواده یا محرم نیز مربوط به حیا می‌شود. این تعاریف مشخص می‌شود حیا در سه بخش افکار، گفتار و رفتار باید وجود داشته باشد. حالا حجاب را بگوییم که می‌شود میوه آن درخت. همان پوشش مناسبی که انسان می‌تواند داشته باشد. بنابراین برای رسیدن به حجاب و پوشش مناسب که یک مصداق از مصادیق حیاست، خود حیا به وجود زیرساخت اصلی‌اش عفاف و خویشتن‌داری است. پس به جای این همه تبلیغ در پوشش ابتدا باید زیرساخت‌های حجاب و زیر ساخت‌های حیا را تقویت کنیم تا در خود آگاه و ناخودآگاه مخاطبین که همان جوانان و فرزندانمان هستند جا بیفتند و درک و عمل شود.

با توجه به تعریفی که از حجاب و عفاف داشتید، می‌توان گفت کسی که حجاب ندارد یا حیا و عفیف نیست؟

مسئله این است. افرادی که پوشش مناسبی ندارند ممکن است قسمتشان بی‌عفتی نباشد. در اینجا باید برگشت به همان ساختار اصلی که صحبت شد. اگر بخواهیم بنیان یا خانه‌ای بنا کنیم باید زیرساخت‌ها را تقویت کنیم که بتوان چند طبقه روی آن ساخت. اکثر افراد به شکل معمولی قصد بی‌حیایی ندارند ولی ناخواسته در بی‌حیایی و بی‌عفتی می‌افتند چون ساختار اینطور تعریف شده است. به همین دلیل در دام رفتارهای ناهنجار، بی‌اخلاقی‌ها و خطوط قرمز می‌افتند. این افراد ممکن است خودشان بی‌توجه باشند و ناخودآگاه در این بیماری و اختلال گرفتار شده باشند. در احادیث هم داریم کسانی که ناخواسته در دام بی‌حیایی و بی‌عفتی می‌افتند ساختارهای دینی، فکری و اعتقادی‌شان از دست می‌دهند. شاید نمی‌خواهند در این جریان قرار بگیرند اما روال طبیعی این مسئله به این شکل است که اگر چارچوب‌های مربوط به پوشش را رعایت نکنند، ناخودآگاه ضرب امنیت محکم روحی و روانی‌شان را از دست می‌دهند و وجودشان را مستعد دریافت ویروس‌های بی‌عفتی و بی‌حیایی می‌کنند؛ مانند کسانی که دچار بیماری‌های ویروسی می‌شوند و اگر سیستم دفاعی بدنشان قوی نباشد نمی‌توانند مقابل بیماری مقاومت کنند. پس بی‌عفتی و بی‌حیایی دو مسئله‌ای است که باعث می‌شود ضرب امنیت سیستم دفاعی روح و روان کاملا کاهش پیدا کند و جوشش مستعد بیماری‌های معنوی شود و کسی که پوشش مناسبی ندارد در مسیر رفتارهای هنجارشکنانه و نادرست و تعاملات نادرست و در مسیر ارتکاب به جرائم قرار گیرد.

سخن شما با والدینی که در داشتن حجاب سخت‌گیر هستند چیست؟ این سخت‌گیری چه تبعاتی به دنبال دارد؟

در رابطه با نسبت حجاب و عفاف می‌توان مثال درخت را زد. ریشه حجاب درحقیقت عفاف یعنی خویشتن‌داری، عفیف بودن و پرهیز از خطاها و ناهنجاری‌ها و رفتارهای نادرست است. به جای این همه تبلیغ در پوشش ابتدا باید زیرساخت‌های حجاب و زیر ساخت‌های حیا را تقویت کنیم تا در خودآگاه و ناخودآگاه مخاطبین که همان جوانان و فرزندانمان هستند جا بیفتند و درک و عمل شود

صورت می‌گیرد.

در برخی کشورها از موضوع رعایت حریم، حریم‌شناسی و کسب‌انرژی‌های مثبت طبیعت و کائنات صحبت‌هایی شده است. در روانشناسی هم داریم اگر فردی در برابر لرز شنی مخالف قرار گرفت اگر حیا عفت و حجاب نداشته باشد می‌تواند انرژی‌های منفی دریافت کند و اگر پوشیده‌تر باشد می‌تواند از کائنات و طبیعت انرژی‌های مثبت بگیرد و توانمندی‌هایش بالا برود. اینها مطالب مهمی است که باید جوان و نوجوان را نسبت به آنها آگاه کرد تا بداند حجاب به نفع سلامتی روح اوست. طبیعی است هر جوانی از رفتارهای تند و تیز فاصله می‌گیرد. به طور مثال او را اجبار می‌کنیم غذایی بخورد چون برای سلامتی‌اش لازم است اما اگر به جای اصرار بیایم از مزایای آن غذا برای سلامتی‌اش صحبت کنیم نوعی تشویق برای درخواست‌های بیشتر است. پس اگر نگاه و رفتارمان را به سمت آگاهی، تشویق و ترغیب ببریم نیازی به اصرار و سختگیری‌های بی‌مورد نیست.

یکی از خصوصیت نوجوان و جوان کسب تأیید اجتماعی است. با توجه به وضع موجود، والدین و فعالان اجتماعی چه نقشی در پذیرش و مهم‌تر از آن ماندگاری حجاب و عفاف در جوانان و نوجوانان دارند تا آنها این مقوله را به دیگر نگاه‌ها ترجیح دهند و تنها به دنبال کسب تأییدات اجتماعی نباشند؟

مسئله حجاب در جامعه اسلامی ما تبیین شده است. پس نمی‌توان آن را نفی کرد، نکته اینجاست که باید به زبان جوانان سخن گفت. آن هم با زبانی اقناعی و روانشناسانه به زبانی که نه تنها جوانان این مرز و بوم بلکه جوانان در کشورهای اروپایی را هم قانع کند تا به حجاب گرایش پیدا کنند. مثال آنها را هم داشته‌ایم. مثلا برخی سلبریتی‌های خارجی که آن ذهنیه طرفدار را کنار گذاشتند و مسلمانی را انتخاب کردند. این همان مسئله‌ای است که باید صورت مسئله آن را ساخت که چطور با جوانان صحبت کرد تا به نیازهای واقعی و انسانی، باطنی و معنوی خود پی ببرند و به قله انسانیت‌شان برسند. قطعاً تشویق، ترغیب، آگاهی و همراه بودن و معرفی منابع و مراجع است که می‌تواند در تشویق و کسب تأیید اجتماعی‌شان مؤثر واقع شود.

با یقین به نقش بزرگ والدین در پذیرش حجاب، ولی از مراکز فرهنگی به خصوص مساجد کمه بسیاری از سوی خانواده‌ها شنیده می‌شود. آنهایی گویند در جمعیت مساجد خیلی جوان و نوجوانان کمرنگ یا اصلا دیده نمی‌شود. به نظر شما مقصران وضع موجود چه کسانی هستند و راه حل برون رفت از این مشکل چیست؟

یک دلیل آن می‌تواند تعارض و فاصله بین خانواده‌ها و مراکز فرهنگی باشد. یا امور دوگانه‌ای، که دلیل آن، هم می‌تواند خانواده باشد. هم مراکز فرهنگی. در پاسخ باید گفت اگر خانواده‌ها تبیین‌هایی محوری، فرهنگی برای عفاف و حجاب و تربیت‌های اخلاقی داشته باشند، فرزندان جذب این مراکز خواهند شد. پس نکته اول اینکه پایه گذاری اخلاقیات و تربیت بر عهده خانواده و والدین است که می‌توانند سفارش کنند، حمایت کنند یا کمک کنند به سمت مسائل فرهنگی باشند. مورد بعدی اینکه مراکز فرهنگی باید دارای جاذبه و نشاط باشند. در واقع توانایی ماندگاری در آنها وجود داشته باشد. همه مهم‌تر اینکه باید مباحثی که از سوی پدر و همسر و والدین، معلمان مدارس و اساتید دانشگاه مطرح می‌شود اقناعی باشد. دقیقاً مسئله این است که اگر چارچوب‌های مربوط به پوشش را رعایت نکنند، ناخودآگاه ضرب امنیت محکم روحی و روانی‌شان را از دست می‌دهند و وجودشان را مستعد دریافت ویروس‌های بی‌عفتی و بی‌حیایی می‌کنند؛ مانند کسانی که دچار بیماری‌های ویروسی می‌شوند و اگر سیستم دفاعی بدنشان قوی نباشد نمی‌توانند مقابل بیماری مقاومت کنند. پس بی‌عفتی و بی‌حیایی دو مسئله‌ای است که باعث می‌شود ضرب امنیت سیستم دفاعی روح و روان کاملا کاهش پیدا کند و جوشش مستعد بیماری‌های معنوی شود و کسی که پوشش مناسبی ندارد در مسیر رفتارهای هنجارشکنانه و نادرست و تعاملات نادرست و در مسیر ارتکاب به جرائم قرار گیرد.

سخن شما با والدینی که در داشتن حجاب سخت‌گیر هستند چیست؟ این سخت‌گیری چه تبعاتی به دنبال دارد؟

گرفته و ممدای آن توجه مردان به نوع نگاه به نامحرم است. وقتی حرف حجاب به میان می‌آید، یعنی هر دو جنس باید آن را رعایت کنند تا کنکل شخصیتی و معنوی در آنها صورت گیرد. تنها جنبه‌های آن است که متفاوت است. به طور مثال وقتی از تقوا و عفت مرد صحبت می‌شود بیشتر از جنبه‌های خود کنترلی، تقوای چشم، گوش و دست صحبت می‌شود. در باتون بیشتر به جنبه‌های رعایت اصول حجاب، عفاف و پاکدامنی دفت می‌شود؛ بنابراین هر دو بال متکمل یکدیگر هستند و تنها شکل و جنبه‌های آن متفاوت است.»

حال که نگاه جسمیتی به این مقوله است، آن دسته از زنان و مردانی که در یک محیط کاری با هم در ارتباط هستند باید حوه مواردی را رعایت کنند تا از آسیب‌های احتمالی در امان باشند؟ این مدرس حوزه و دانشگاه در پاسخ اظهار می‌دارد: «قطعاً به دلیل تفاوت‌های تکوینی، جسمیتی و روانشناختی بین دو جنس زن و مرد، یکسری شرایط و ویژگی‌ها باید رعایت شود و نباید نشود، یعنی اینطور نیست که مرد تنها وظیفه دارد چشمش را کنترل کند بلکه در ساحت‌های مختلف باید به این وظیفه عمل کند.»

وی یکی از این ساحت‌ها را حفظ کرامت و عزت زن در خانه از سوی مردان دانسته و می‌گوید: «هرچه زن از سوی پدر و همسر مورد محبت، احترام و کرامت بیشتری در خانواده و مقابل فرزندان قرار گیرد، حیای او بیشتر درونی می‌شود. چرا که حیا یک موضوع مرتبط با عزت نفس است. پس نقش مرد در تکمیل این عزت نفس بسیار ضروری است. از طرفی زن به دلیل جاذبه‌هایی که دارد باید تنها در اختیار همسرش باشد و هرچه حیای خود را بیشتر حفظ کند، خانواده خود و خانواده دیگران را بیشتر مصون نگاه می‌دارد.»

هرچه زن از سوی پدر و همسر مورد محبت، احترام و کرامت بیشتری در خانواده و مقابل فرزندان قرار گیرد، حیای او بیشتر درونی می‌شود. چرا که حیا یک موضوع مرتبط با عزت نفس است پس نقش مرد در تکمیل این عزت نفس بسیار ضروری است. از طرفی زن به دلیل جاذبه‌هایی که دارد باید تنها در اختیار همسرش باشد و هرچه حیای خود را بیشتر حفظ کند، خانواده خود و خانواده دیگران را مصون نگاه می‌دارد

رعایت حد و مرز در فضاهای کار و دانشگاه ضروری است

این مدرس دانشگاه، محیط کاری را به شرط رعایت حجاب و عفاف از سوی زن و مرد، محیطی می‌داند که باعث انگیزه، نشاط و کارآمدی می‌شود، در غیر اینصورت نتیجه عکس دارد و آن محیط برای هر دو جنس آسیب‌زا خواهد بود. وی در توضیح بیشتر می‌گوید: «اگر این محیط به روابط بیش از حد زن و مرد منجر شود، به سمت گرایش‌های جنسی سوق پیدا می‌کند در نتیجه این محیط دیگر نتایج مثبت را برای زن و مرد نخواهد داشت و در این محیط است که هر دو به دلیل ارتباط زیاد توأم با رعایت نکردن عفت، آسیب می‌بینند. اگر در این ارتباط نزدیک خود مرز رعایت نشود محیط وابستگی بین آنها در نتیجه دیری از خانواده می‌شود. تزلزل خانواده و آسیب‌های روانی به اثر شکست‌های عشقی از جمله مواردی است که به دلیل رعایت نکردن حجاب و عفاف دیده می‌شود.»

مبرمعرفی در ادامه می‌گوید: «وقتی به‌حجابی در جامعه رواج پیدا کند، همه و حتی خانواده فرد به‌حجاب و حتی خانواده‌ای که آن را زن مقابسه می‌شوند. را جذاب آسیب می‌کند. این موضوع در آیات و روایات تأکید و به لحاظ اجتماعی و روانشناسی نیز ثابت شده است. وقتی در جامعه‌ای بیشتر ملاک‌ها، ملاک‌های جنسی شود، خانواده‌ها در امان نیستند و متزلزل می‌شوند. خانواده از پایداری کمتری برخوردار و در اکثر خانواده‌ها علایق بین زن و مرد سطحی و موقتی می‌شود و درنهایت آمار طلاق بالا می‌رود. آسیب دیگر اینکه زن و مرد به دنبال تأمین غرایط جنسی، زودگذر و موقتی‌شان خواهند بود. در این جامعه عواقب بی‌حجاب و بی‌عفتی زن را جذاب اختلالات روانی می‌کند. مردانی که در جامعه مدام با تحریک جنسی مواجه می‌شوند بر خاتنگر و عصبی می‌شوند و این مسخصه به خانواده آسیب جدی وارد می‌کند.»

وی در آخر اشاره‌ای هم به محیط‌های آموزشی و علمی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها کرد و گفت: «حجاب و عفاف و رعایت آن از سوی دختران و پسران در محیط‌های علمی موجب ارتقای تحصیلی و بالا رفتن سطح علمی آنها می‌شود چراکه همه حواسشان به درس می‌رود و انگیزه‌شان کسب علوم دانش است. رعایت نکردن حجاب و عفاف، این محیط را به یک محیط رقابتی و جنسی تبدیل می‌کند و موجب درگیری بین دختران و پسران با شوخی‌های زننده بین آنها می‌شود. در بین آنها شکست‌های عشقی که سال‌ها داغی گیر زندگی آنها می‌شود شکل می‌گیرد که به راحتی هم درمان‌پذیر نیست. درصد این آسیب‌ها در دختران بیشتر دیده می‌شود چراکه آنها احساساتی و درگیر و وابستگی زیادی هستند. به همین دلیل عوارضی مانند ناامیدی و خودکشی نیز در آنها بیشتر دیده می‌شود.»

محبوب است چون عفیف و محجوب است

حسین گل‌محمدی

دقت کرده‌اید برای هر چیز با ارزشی یک کلید ایمنی در نظر می‌گیرند! چرا؟ چون به بفعه‌نفورد. کلید ایمنی آدمی هم حجب و حیای اوست تا به بفعا نرود. به دست ناهالان نیفتد و حرام نشود. فرقی هم نمی‌کند مرد باشد یا زن. برای هر کدام کلیدی است تا ایمن بماند و دیگران را نیز ایمن بدارد. حلا چرا دیگران را؟ چون شما وقتی شی، یا هر چیز باارزشی را رها می‌کنی در حقیقت به دیگران این اجازه را می‌دهی تا به آن نظر داشته باشند و حتی آن را بدزدند! از منظری دیگر شما وقتی چیزی را حفظ و صیانت می‌کنی در حقیقت این پیام را به دیگران انتقال می‌دهید که برای من باارزش است. در فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی عفاف و حجاب چنین حکمی را دارد. یک مثال ساده و محسوس می‌زنم. از دیرباز تاکنون به هنگام انتخاب همسر با معرفی گزینه مناسب برای ازدواج اولین ویژگی و شاخصی که برای نوصیف به کار برده و می‌برند، می‌گویند دختری عفیف و محجوب است یا حتی برای پسر ویژگی وفاد و چشم‌پاکی را به کار می‌برند که در حقیقت همان ترجمان عفاف و حجاب است. آری، قدر و قیمت و محبوبیت او را با حجب و حیایش می‌سنجند. با این نوصیف، برخلاف برخی تصورات رایج که حجاب را با مفاهیم و مضامینی منفی گره می‌زنند، عفاف و حجاب در فرهنگ ما و در کلام حکیمان و شاعران، زعیمان و واعظان، در کلام خدا و در حدیث رسول و پیشوایان، با واژه‌هایی همچون آراستگی و پیراستگی، جمال و زیبایی، امنیت و صیانت، ارزش و اصالت توصیف شده و چه زیبا سروده است صائب تبریزی: خوب کردی که رخ از آینه پنهان کردی / هر پریشان نظری لایق دیدار تو نیست.

پاسخ به ۵ شبهه درباره حجاب

منطق حجاب در بیمه کردن سلامت جامعه از تمام بیمه‌های اجتماعی قوی‌تر است

امین کشوری*

همواره عده‌ای تلاش می‌کنند تا با شبهه‌افکنی در خصوص عفاف و حجاب به مرور پایه‌های اعتقادی و اخلاقی آحاد جامعه دینی را سست کنند. در طی سالیان اخیر برخی شبهات با هشتگ‌هایی نظیر #حجاب_اجباری به نسبت سایر شبهه‌ها از تکرار و انتشار بیشتری برخوردار بوده و بسیار روشن است که صحنه‌گردانان آن هم حجاب هم انقلاب اسلامی و حاکمیت دینی را با هم نشانه گرفته‌اند. در این یادداشت به پنج شبهه درباره هشتگ #حجاب_اجباری پاسخی کوتاه داده می‌شود.

■■■

۱- تأکید بر حجاب اجباری نه تنها موجب رواج حجاب نمی‌شود، بلکه باعث بدل زدگی به آن می‌شود.

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اول: تعبیر حجاب اجباری، تعبیری مغالطه‌آمیز بوده و بهتر است از تعبیر حجاب شرعی و قانونی استفاده شود.

دوم: رعایت حجاب اسلامی، خواسته خدای متعال و منطبق با فطرت پاک انسان است. بنابراین رعایت حجاب به علت کارکردهایی که دارد از سوی اکثر خانم‌ها کاملاً اختیاری و به صورت متعهدانه رعایت می‌شود. جنبه اثرام، محسوس خانم‌هایی است که به علل مختلف با عدم پایبندی به پوشش اسلامی به ناهنجاری‌های اخلاقی و فرهنگی اجتماعی دامن می‌زنند.

سوم: مسئولیت حکومت درباره حجاب، منحصر به الزامی کردن آن نیست و شامل تعلیم، تبلیغ، ترویج، تشویق، محدودیت و محرومیت نیز می‌شود.

چهارم: امروز حتی امروی که منطق و توجیه صفیه‌تری برای اجتماعی بودن دارند، اجتماعی به شمار می‌روند. برای مثال، استفاده از کمربند یا کلاه ایمنی در رانندگی، بیمه درمانی و شخصی ثالث، لباس ایمنی هنگام کار و دهها مورد دیگر که منافع آن صرفاً به شخص بهره‌مند از دولت اسلامی، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی)

سوم: پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «همانا گناه وقتی در خلوت انجام گیرد، فقط به انجام دهنده زیان می‌رساند، ولی وقتی در انظار عمومی انجام گیرد و با اعتراض رو به رو نشود، به عموم مردم نیز زیان می‌رساند.» (شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۰۸.)

۳- ما حجاب اجباری در ایران را بو کنیم یا آزادی را؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اول: حجاب، آزادی اندیشه را محدود نمی‌کند و شاید به عبارتی آن را رشد دهد و عاملی شود برای تبادل آزادتر اندیشه‌ها و رشد استعدادها. حجاب، آزادی فعالیت اجتماعی را نیز محدود نمی‌کند چه بسیار بانوان محجبه و عفیفی که در رده‌های بالا و مسئولیت‌های مهم اجتماعی و مدارج عالیه تحصیلی- حتی در محیط‌های مردانه- حجاب‌شان را حفظ می‌کنند و آزادانه خواهیم بود. زمانی که شاهد افزایش استفاده از فضای مجازی هستیم، میزان تأثیر گذاری آن بیشتر شده و تأثیر منفی آن بر هویت دینی و فردی افراد قابل مشاهده است. فضای مجازی یکی از مؤثرترین عوامل اثر گذار در بحث هویت دینی است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه باعث کاهش رعایت حجاب و عفاف، اختلال در هویت و سستی تعامل افراد با خانواده‌های‌شان می‌شود؟

می‌دانند، هرچند در محل کار خود مجبور بودند اونیفورم (لباس رسمی و متحدالشکل)، روپوش و مقنعه بپوشند. برای نگارنده بسیار جالب بود وقتی از آنان می‌شنیدیم که به رغم مخالف بودن با حجاب اسلامی، استفاده از این اونیفورم را راحت و مفید می‌دانستند. آنان عقیده داشتند این پوشش کج‌اندیشی‌های جنسیت گرایانه را کاهش داده بود.» همچنین ایشان در کتاب خود به نقل از یک خانم اشاره می‌کند: «زهره مدیر یک لابراتوار شیمی توضیح می‌دهد، من پوشیدن حجاب اسلامی را دوست ندارم. این اونیفورم زشت است و من از اینکه باید این را بپوشم ناراحتم. ولی چون مردان نمی‌توانند جلوی اعمال جنسی‌شان را بگیرند و به زنان به چشم عامل جنسی نگاه می‌کنند، چاره جز قبول این حقیقت ناگوار در جامعه نداشتم. دقیقاً به همین دلیل سرنا یا پیم را می‌پوشانم و تجربه به من نشان داده که در این حالت بیشتر مورد احترام هستم تا در سیستم قبلی. الان آنان مرا به عنوان محقق نگاه می‌کنند، ولی قبلاً به چشم یک عامل جنسی به من نگاه می‌کردند.»

۴- در قرآن عبارت «اکراه فی الدین آمده است، پس چرا در انتخاب پوشش فرد دخالت می‌شود؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اول: آیه «لا إکراه فی الدّین» به معنای عدم اجبار در اصل پذیرش دین است نه به معنای عدم التزام به قوانین و احکام دین یا مقررات کشور و ایجاد ناهنجاری و بی‌بندوباری به بهانه آزادی عقلایی نیست که کسی یک نظام حقوقی یا اعتقادی را بپذیرد یا عضو یک حزب یا سازمان شود، ولی به مقررات آن پایبند نباشد. شناخت معنای دقیق «لا إکراه فی الدّین»، منوط به نگرشی جامع به آیات قرآن و مجموعه معارف آن است. مسلم است که در اسلام، احکام اجباری فراوانی وجود دارد، مانند «حدود» و قوانین اجتماعی مصلحت‌گرایی که صرفت با جنایت می‌کنند و حد بر آنان جاری می‌شود، راضی به آن نیستند. از این رو باید در فهم ابتدایی از آیه «لا إکراه فی الدّین» تجدیدنظر کرد.

دوم: محدوده عقیده را باید از محدوده عمل و حقوق جدا کرد. در حیطه عقیده، اجبار راهی ندارد، ولی در حیطه عمل، جبر و اکراه هم لازم است و هم قابل قبول. اسلام نیز در محدوده تبلیغ خود هیچ جبری را برای پذیرش عقیده‌ای قرار نداده است. دعوت اسلام بر اساس بینش و بصیرت است، چنانکه قرآن فرموده است «ای رسول ما! به مردم بگو راه من این است که خلق را بایینایی و بصیرت به خدا بخوانم.» آنگاه که قرد پذیرای اسلام شد، در این صورت یکسری از احکام اجتماعی آن را نیز باید پذیرا شود.

سوم: از دیگر مصادیق التزام افراد به انجام وظایف شرعی، اجبار آنان به ادای حقوق دیگران است.

۵- اگر ما تمایلی به پوشیدن اجباری نداشته باشیم، باید چه کار کنیم؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اول: بحث بهشت اجباری، بحثی مغالطه‌آمیز است که بر خی مطرح کرده‌اند، چراکه اساساً هیچ کس موافق این ایده نیست تا کسانی درصدد نقد آن برآیند.

دوم: فلسفه الزام قانونی حجاب و عفاف به‌هیچ وجه کشاندن اجباری بی‌حجابان و عفیفان به سوی بهشت نیست، زیرا بهشت را باراده فردی باید انتخاب کرد؛ بلکه فلسفه‌ان این است که این افراد موجب جهنمی شدن سایرین نشوند.

سوم: وقتی شخصی از چراغ قرمز عبور کند، مأمور راهور او را جریمه می‌کند. هیچ کس مأمور را به علت اجبار راننده بر مراعات قانون سرزنش نمی‌کند، چون اگر او نیز کوتاهی کند، از سوی مافوق خود مورد بازخواست قرار می‌گیرد. افراد با پذیرفتن زندگی اجتماعی، قانونی را امضا کرده‌اند که به موجب آن در صورت تخلف مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند.

* دکترای مطالعات زنان و خانواده

منیره بیات مختاری، فعال و پژوهشگر حوزه عفاف و حجاب

تماشای مکرر تصویر بی‌حجابی در فضای مجازی تصدیق می‌آورد

منیره بیات مختاری، فعال و پژوهشگر حوزه عفاف و حجاب با ورود به موضوع شبکه‌های اجتماعی و اثرگذاری آن بر حجاب می‌گوید: زیاد دیدن «تصویر» یا خود «تصدیق» را به دنبال دارد و بر همین اساس قبح یکسری از موارد از طریق شبکه‌های اجتماعی از بین رفته است؛ معضلی که نیازمند راهکارهای اصولی و مؤثر و شبکه‌های اجتماعی قوی با تولید محتواهای اثرگذار است که توان رقابت با فضاهای فعلی را داشته باشد. متن گفت‌وگو با این کارشناس را در ادامه می‌خوانید.

■■■

فضای مجازی چه میزان بر کلیت هویت دینی و فردی افراد تأثیرگذار است؟

ابتدا ما باید هویت را تعریف کنیم. خود انگاره، یعنی تصور و برداشتی که فرد از خود دارد. هویت دینی انگاره‌هایی که فرد از رابطه خود با دین دارد را مشخص می‌کند. رابطه انسان با دین، مؤلفه‌های دینی، گرایش فرد به ارزش‌ها و موازین دینی و تأثیر آن در زندگی، هویت دینی فرد را می‌سازد. نکته مهم اینجاست که هویت دینی یک امر جمعی است. چراکه مجموعه افراد پیرو دین را در بر می‌گیرد. در واقع خودانگاره در افراد براساس هویت دینی شکل می‌گیرد. اینکه من چه توقع و برداشتی از خودم دارم و چه وظایفی برای خودم تعریف می‌کنم، بستگی به این دارد که دین چه تعریفی از من دارد و چه نقشی را برای من قائل است. به طور مثال، من را رحیانه می‌بینید یا یک مبارز تعریف خواهد کرد. مجموع این موضوعات هویت فرد را می‌سازد. با این مقدمه در پاسخ به سؤال شما باید گفت، رسانه یکی از ابزارهایی است که ارزش‌ها و الگوهای افراد را در جامعه دگرگون می‌کند؛ رسانه می‌تواند الگوها را تغییر دهد. یکی از علل تغییر این است که رسانه‌ها آگاهانه و با برنامه‌ریزی برای دگرگون کردن ارزش‌ها از سوی عده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چنین هویت را تحت تأثیر قرار داده و دگرگونی ایجاد می‌کنند. در جامعه‌ای که امروز به دلیل هویت دینی زن و وظایف، رفتار و منش او تعریف شده، از سوی همین رسانه امکان تغییر این تعریف وجود خواهد داشت و شاهد تحولاتی در رفتار و سبک پوشش افراد خواهیم بود. زمانی که شاهد افزایش استفاده از فضای مجازی هستیم، میزان تأثیر گذاری آن بیشتر شده و تأثیر منفی آن بر هویت دینی و فردی افراد قابل مشاهده است. فضای مجازی یکی از مؤثرترین عوامل اثر گذار در بحث هویت دینی است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه باعث کاهش رعایت حجاب و عفاف، اختلال در هویت و سستی تعامل افراد با خانواده‌های‌شان می‌شود؟

برنامه‌ریزی‌های مشخصی برای این کار صورت گرفته است. برنامه‌های متنوع اعتقادی و منابع مختلف و متعدد از جمله این موارد است که همان انفجار اطلاعات می‌گویند. در ارائه منابع محدود فرصت سنجش و تفکر وجود دارد، اما منابع اعتقادی متکثر باعث خواهد شد تا هجومی از اعتقادات به ذهن افراد فشار بیاورد و فرصت تفکر را بگیرد که در نهایت فرد با این حجم از تفکر قادر به درست فکر کردن نیست و هویت دینی تکه تکه پیدا می‌کند. بخشی از این کارها با برنامه‌ریزی دقیق صورت می‌گیرد. برخی از این سایت‌ها، شبکه‌ها و کانال‌ها تعمداً آدرس‌های غلط را با هدف‌مندی به مخاطب ارائه می‌دهند تا دقیقاً هویت مخاطب نابود شود. افراد به صورت غریزی کشش به سمت چنین مباحثی دارند و از سوی دیگر فضای مجازی باعث کاهش روابط چهره به چهره و عاطفی می‌شود. نهادهای هویت بخش مثل خانواده، مدرسه و مسجد مبتنی بر روابط عاطفی و چهره به چهره است و بر همین اساس نهادهای هویت‌بخش هم دچار اختلال می‌شوند. این چنین است که ضعف رفتارهای دینی را به دنبال دارد.

تصاویر و ویدئوهای برهنه و بی‌حجاب در شبکه‌های اجتماعی چگونه در کمرنگ کردن ارزش پوشش در ذهن افراد اثر می‌گذارد؟

تصویر به تنهایی می‌تواند باعث کمرنگ کردن اهمیت پوشش در ذهن افراد شود. ما قاعده‌ای داریم که «تصویر» زیاد «تصدیق» می‌آورد و خود تصویر به تنهایی در رفتار افراد اثرگذار است. افرادی هستند که معتقدند و باورهای دینی دارند، اما ظاهری که گواهی مسلمانی آنها باشد، وجود ندارد که علت آن می‌تواند تعامل و مواجهه با تصاویر است. چراکه در عمومی گردن یکسری سبک‌ها صرفاً از تصاویر استفاده می‌شود. به طور مثال برای پوشیدن شلوار پاره استدلالی دیده نمی‌شود، اما دائم تصویر نشان داده می‌شود، در حالی که شاید همان افرادی که شلوار پاره را می‌پوشند، منطقاً آن را مسخره بدانند. چرا که امکان لطمه به اصل دین وجود ندارد. صحبت کردن در مورد اعتقادات در حد تکرار باعث ایجاد تنوایل می‌شود. به معنی روشن و دقیق فرد با منابع مختلف چرا تزلزل می‌شود و جلوه مشخص از دینداری و رفتار دینی برای او غیرممکن می‌شود. وابستهبودن به تصویر، دیده‌شدن را به دنبال دارد، در حالی که عفاف و حجاب دقیقاً در دیده نشدن واقع شده و این تأثیر منفی خواهد داشت. در سال‌های اخیر شاهد ایجاد شبهه‌افکنی در مورد پوشش در فضای مجازی هستیم. این شبهه‌افکنی علاوه بر تزلزل باعث خواهد شد تا فضای مجازی مثل اینستاگرام با ارائه تصویر، رد و تأیید مخاطبان را درپی داشته باشد که این رد و تأیید موجب تقویت و تضعیف می‌شود. در نظر بگیرید دختر خانمی وارد فضای اینستاگرام می‌شود و ارسالی این دختر را که بیشتر فقط عمو و دایی و پدر لایک می‌کردند، حالا چندین هزار نفر دیگر تأیید می‌کنند. به مرور رفتار فرد وابسته به تعریف و تأیید دیگران می‌شود و تصمیم می‌گیرد آنچه مورد تحسین مخاطب است را به اشتراک بگذارد. در نتیجه گرایش‌های نفسانی غالب می‌شود. در نهایت شخصیت فرد وابسته به تأییدات می‌شود که آسیب دیدی متوجه او خواهد شد. بعد از مدتی افراد با لایک و تحسین کم قانع نمی‌شوند و برای اقناع خود دنبال همان محتوای مورد تأیید مخاطب هستند. نمونه آن بلاگرهایی که با انگیزه خوب و حتی ترویج حجاب شروع به کار کردند، اما در فضای تعامل و تأثیر هدف خود را گم کردند.

**چگون